

عاملیت مترجم در پانویس‌ها و یادداشتهای مترجمان ادبی معاصر در ایران

مزدک بلوری*

استادیار گروه مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

این مقاله به بررسی عاملیت مترجمان ادبی معاصر در ایران بر مبنای مطالعه‌ی پانویس‌ها و یادداشتهای مترجمان می‌پردازد. هدف در وهله‌ی نخست طبقه‌بندی محتوایی پانویس‌ها و یادداشتهای و یافتن دلایل پانویس‌دهی در کتاب‌های ادبی است و پس از آن کوشش می‌شود بر مبنای داده‌های پژوهش عاملیت مترجم - یعنی کارها، فعالیت‌ها، نقش‌ها و درک مترجم از خود - تحلیل شود. برای این منظور پانویس‌ها و یادداشتهای تعدادی از کتاب‌های ادبی که در چند دهه‌ی اخیر در ایران ترجمه و منتشر شده‌اند استخراج و مطابق با مدل پالوپوسکی بررسی و تحلیل شد. نتایج نشان داد که محتوای پانویس‌ها را می‌توان به دو گروه کلی طبقه‌بندی کرد: ۱) مسائل مربوط به زبان، فرهنگ، جامعه و ادبیات مبدأ، ۲) مسائل مربوط به ترجمه‌ی اثر. توزیع و فراوانی پانویس‌ها در کتاب‌های بررسی شده بسیار متغیر بود و مهم‌ترین دلیل پانویس دادن پر کردن شکاف فرهنگی بین جوامع مبدأ و مقصد، کمک به درک بهتر جنبه‌های مختلف متن و توجیه تصمیم‌ها و انتخاب‌های مترجم تشخیص داده شد. مترجمان در موقعیت‌های مختلف عامل کارها و فعالیت‌های گوناگونی بودند و نقش پل ارتباطی بین فرهنگ‌ها، تسهیل‌کننده‌ی ارتباط بین فرهنگی، منتقد، آموزگار و راهنمای خواننده را بر عهده گرفته بودند و به نظر می‌رسید کار ترجمه را، علاوه بر برگرداندن متن به زبان مقصد، مستلزم تلاش برای توضیح دادن مسائل مختلف در قالب پانویس و یادداشت می‌دانند و از همین رو درک مخاطب از متن را وابسته به توضیحات خود قلمداد می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: عاملیت، عناصر پیرامنتی، پانویس، یادداشت مترجم، ترجمه‌ی ادبی

۱. مقدمه

بررسی پیرامتن‌ها^۱، یعنی «مطالب کلامی و تصویری پیرامون [...] ترجمه‌های منتشرشده» (طاهر گورچاگلار^۲، ۲۰۱۱: ۱۱۳) یکی از حوزه‌های پژوهشی جدید در مطالعات ترجمه است که می‌توان از آن در پژوهش‌های تجربی درباره‌ی متن‌های ترجمه‌شده استفاده کرد. طاهر گورچاگلار (۲۰۰۲) پیرامتن‌ها را چنین تعریف می‌کند: «مطالب همراه با متن‌های ترجمه‌شده با هدف معرفی کردن آن‌ها و فراگفتمان‌های خاص متن‌ها که مستقیماً در اطراف آن‌ها شکل می‌گیرد» (۲۰۰۲: ۴۶). از نمونه‌های بارز پیرامتن عنوان کتاب‌ها و عنوان‌های فرعی، اسامی مستعار، مقدمه‌ی کتاب‌ها، تقدیم‌نامه‌ها، سرنوشته‌ها، پیشگفتارها، پانویس‌ها، یادداشت‌های مترجم، موخره‌ها (مکسی^۳، نقل از طاهر گورچاگلار، ۲۰۱۱: ۱۱۳)، جلد کتاب، صفحه‌ی عنوان، پشت جلد، تصویر (طاهر گورچاگلار، ۲۰۰۲) و نیز صفحه‌های سفید کتاب و تبلیغات (زانتین^۴، ۲۰۰۹: ۳۹) است. مطالعه‌ی پیرامتن‌ها به پژوهشگران ترجمه امکان بررسی عناصری را می‌دهد که «بین متن‌های ترجمه‌شده و خوانندگان‌شان پلی می‌زنند و در نتیجه تا حد زیادی بر دریافت متن‌ها تأثیر می‌گذارند» (طاهر گورچاگلار، ۲۰۱۱: ۱۱۳). با تمرکز بر چنین مطالبی می‌توان به اطلاعات وسیعی در مورد ماهیت متن‌های ترجمه‌شده، تعریف ترجمه و مترجم در هر زمان و فرهنگ، هنجارهای ترجمه‌ای^۵، اهداف و عملکرد و نیز عاملیت^۶ مترجم دست یافت و ترجمه‌ها را از منظر تاریخی و ایدئولوژیکی مطالعه کرد.

پژوهش حاضر، از بین عناصر پیرامتنی بالا، بر پانویس‌ها و یادداشت‌های مترجمان در ترجمه‌های ادبی منتشر شده در چند دهه‌ی اخیر در ایران متمرکز می‌شود. هدف در وهله‌ی نخست دستیابی به اطلاعاتی در مورد محتوا و علل گنجاندن پانویس‌ها و یادداشت‌ها و نیز فراوانی، توزیع و الگوهای پانویس‌دهی در کتاب‌های ادبی است و سپس کوشش می‌شود بر مبنای یافته‌های پژوهش، عاملیت مترجمان - یعنی کارها، فعالیت‌ها، نقش‌ها و درک مترجمان از وظایف خود - تحلیل شود.

برای این منظور، کوشش می‌شود که به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

(۱) چگونه می‌توان پانویس‌ها و یادداشت‌های مترجمان ادبی معاصر در ایران را از نظر محتوایی طبقه‌بندی کرد؟



۲) داده‌ها چه اطلاعاتی درباره‌ی توزیع و فراوانی پانویس‌ها و یادداشت‌ها و دلایل استفاده از آن‌ها به دست می‌دهند؟

۳) چگونه می‌توان بر مبنای داده‌های به دست آمده از پانویس‌ها و یادداشت‌ها، عاملیت مترجم ادبی معاصر را تحلیل کرد؟

با توجه به یافته‌های پژوهشگران دیگر (مثلاً نک. پالوپوسکی، ۲۰۱۰)، پژوهش حاضر فرضیه‌ی زیر را مطرح می‌کند: دلیل اصلی پانویس‌دهی مترجمان ادبی در ایران توضیح دادن جنبه‌های ناشناخته‌ی فرهنگ مبدا برای خوانندگان زبان مقصد است و این کار مترجم ادبی را به عامل ارتباط بینا فرهنگی تبدیل می‌کند.

۲. پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر پیرامتن‌ها توجه تعدادی از پژوهشگران ترجمه را به خود جلب کرده‌اند و در مورد فرصت‌هایی که این حوزه از تحقیق در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد به تفصیل صحبت شده و بر این اساس پژوهش‌هایی انجام شده است. به عنوان مثال، شفتر^۷ (۲۰۱۰) پژوهش در مورد پیرامتن‌ها را راهی برای دست یافتن به هنجارهای ترجمه‌یی می‌داند. او معتقد است شناخت هنجارها، علاوه بر تحلیل منابع متنی، از طریق بررسی منابع برون‌متنی همچون ارزشیابی‌های ترجمه (مانند نقدها و مقاله‌ها) و پیرامتن‌ها (مانند یادداشت‌های مترجم، پانویس‌ها، پیشگفتارها) نیز امکان‌پذیر است. برای مثال، هرگاه مترجمی احساس کند که لازم است برخی از تصمیم‌های خاصی را که اتخاذ کرده است توجیه کند، این کار او را می‌توان نشانه‌ای از آگاهی او در مورد انتظارات 'هنجارمند' تلقی کرد. در صورتی که مترجم تصمیمی بگیرد که با انتظارات مغایرت داشته باشد، یعنی در صورتی که بر خلاف هنجارهای غالب عمل کرده و نوعی رفتار نابهنجار از او سر زده باشد، توجیه‌ها غالباً در پانویس‌ها یا مقدمه‌ها آورده می‌شود. (۲۰۱۰: ۲۴۰-۲۳۹)

داده‌های به دست آمده از این راه را می‌توان در کنار الگوهایی که از پیکره‌های متن‌های ترجمه‌شده استخراج می‌شود به کار گرفت تا تصویر روشن‌تری از هنجارهای حاکم بر ترجمه در یک محیط و زمان خاص به دست آید. طاهر گورچاگلار (۲۰۱۱) نیز معتقد است پژوهشگران

ترجمه برای یافتن هنجارهای ترجمه‌ای علاوه بر بررسی و تحلیل متن، می‌توانند از مطالب برون‌متنی و منابع جنبی نیز بهره بگیرند. او می‌گوید: «مطالعه‌ی پیرامتن‌ها این چارچوب پژوهشی [بررسی متن] را کامل می‌کند و روش‌های ارائه شدن ترجمه‌ها به خوانندگان را آشکار می‌سازد» و «پژوهشگر را از قاعده‌ها، مفاهیم و انتظارات جامعه از متن‌های ترجمه‌شده آگاه می‌کند» (۲۰۱۱: ۱۱۳).

طاهر گورچاگلار (۲۰۰۲) همچنین پیرامتن‌ها را برای پژوهش‌های تاریخی ترجمه و نیز آشکار ساختن مفاهیم و تعاریف ترجمه در هر دوره و فرهنگ خاص و رسیدن به شناختی بهتر از تولید و دریافت متن‌های ترجمه‌شده سودمند می‌داند، زیرا معتقد است این عناصر برون‌متنی توجه پژوهشگر را به مفاهیمی چون «پدیدآوردگی^۱، اصالت^۲ و گمنامی^۳» که در متن ناپیدا هستند جلب می‌کنند (۲۰۰۲: ۴۶). علاوه بر این‌ها، مطالب پیرامتنی اطلاعات ارزشمندی درباره‌ی «شرایط تولید و مصرف شدن ترجمه‌ها» و «دیدگاه‌های ناشران و مترجمان در مورد ترجمه» و به طور کلی درباره‌ی مسائل مختلفی که خود متن‌ها اطلاعات چندانی در موردشان عرضه نمی‌کنند به دست می‌دهد (همان: ۵۹). او خود به بررسی و مقایسه‌ی پیرامتن‌ها در ادبیات ترجمه‌شده‌ی کلاسیک که وزارت آموزش و پرورش ترکیه تحت نظارت اداره‌ی ترجمه در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۶ منتشر کرده بود و پیرامتن‌ها در ادبیات عامیانه‌ی ترجمه‌شده که در همان زمان در این کشور تولید شده می‌پردازد و نتایج جالبی درباره‌ی شیوه‌ی بازاریابی و دریافت این کتاب‌ها به دست می‌آورد. مثلاً بررسی او نشان می‌دهد که در «جلدها و صفحه‌های عنوان آثار معیار، نام نویسنده به عنوان مهم‌ترین عنصر معرفی کتاب برجسته می‌شود [...] در حالی که بازاریابی ادبیات عامه‌پسند بر مبنای ژانر اثر صورت می‌گیرد» (همان: ۵۷). از این‌رو، نتیجه می‌گیرد که خوانندگان ادبیات جدی کتاب‌های خود را بر اساس منشا و نویسنده‌ی کتاب انتخاب می‌کنند، اما خوانندگان ادبیات عامه‌پسند بر مبنای ژانر اثر و نه با توجه به نویسنده‌ی اثر به مطالعه‌ی کتاب می‌پردازند.

کووالا^۴ (۱۹۹۶) به بررسی پیرامتن‌ها در ادبیات انگلیسی-آمریکایی که در فاصله‌ی سال‌های ۱۸۹۰ تا ۱۹۳۹ به زبان فنلاندی ترجمه شده است می‌پردازد. او می‌گوید مقدمه‌ها و یادداشت‌های مترجم ابزاری برای نزدیک کردن متن به خواننده‌اند و «انگیزه‌ی اصلی یادداشت‌ها توضیح دادن عناصر فرهنگی‌بی است که مترجم گمان می‌برد برای خوانندگان ناشناخته باشند»



(۱۹۹۶: ۱۲۵). او از پول، واحدهای اندازه‌گیری، عناوین و القاب، نام مکان‌ها و اشخاص و سازمان‌ها به عنوان نمونه‌هایی از این عناصر فرهنگی نام می‌برد. سپس می‌کوشد این عناصر پیرامنتی را به بافت محیطی‌شان پیوند دهد و جنبه‌های ایدئولوژیکی کاربرد آن‌ها را مطالعه کند و به این نتیجه می‌رسد که ایدئولوژی‌های حاکم بر نهاد ادبی فنلاند در پیرامتن‌های به کار گرفته شده انعکاس یافته‌اند. به عنوان مثال، به مقدمه‌ی کتاب *سفرهای گالیور* اثر جاناتان سوئیفت، اشاره می‌کند و می‌گوید مقدمه‌نویس استفاده‌ی سوئیفت از هجو در این اثر را با اشاره به تجربه‌های تلخ خود نویسنده و اهداف آموزشی‌اش توجیه می‌کند. از همین رو، مقدمه‌نویس این اثر را در قالبی می‌ریزد که با تصور خودش از این که «چه نوع ادبیاتی برای کودکان و جوانان مناسب است» تطبیق دارد (۱۹۹۶: ۱۳۹). کووالا معتقد است پژوهش در مورد پیرامتن‌ها ممکن است بر شیوه‌ی انعکاس یافتن ایدئولوژی در گفتمان پیرامنتی یا بر یافته‌های این حوزه از تحقیق درباره‌ی نظام فرهنگی متمرکز شود (نک. کووالا، ۱۹۹۶: ۱۴۱).

هاروی^{۱۲} (۲۰۰۳) عقیده دارد «آنچه جلد کتاب‌ها^{۱۳} می‌گویند» و «نمایش می‌دهند» (و چگونگی آن)، همراه با آنچه پنهان می‌کنند یا برهم می‌زنند، برای هر پروژه‌ی کامل هرمنوتیک ترجمه حیاتی است» (۲۰۰۳: ۵۱-۵۰). او خود با تحلیل جلد چند کتاب به بررسی پیام‌های ایدئولوژیکی نهفته در آن‌ها می‌پردازد و از آن‌چه جلدها به ذهن خواننده می‌آورند و معانی و تداعی‌های آن‌ها برای مخاطب مقصد سخن می‌گوید. گودایول^{۱۴} (۲۰۱۳) نیز بر لزوم جمع‌آوری، تحلیل و طبقه‌بندی مطالب پیرامنتی مترجمان زن، شامل مقدمه‌ها و یادداشت‌هایشان، با هدف روشن ساختن ایدئولوژی نهفته در پشت این مطالب تاکید می‌کند (نک. گودایول، ۲۰۱۳: ۱۸۲).

عناصر پیرامنتی در نظریه‌ی روایت^{۱۵} بیکر^{۱۶} (۲۰۰۶) ابزاری برای قاب‌بندی مجدد^{۱۷} روایت متن قلمداد می‌شود. طبق نظر او، «مقدمه‌ها، پیشگفتارها، پانویس‌ها، یادداشت‌ها و [...] طراحی جلد و نوشته‌های تبلیغاتی پشت جلد کتاب از جمله محل‌های متعددی است که مترجمان برای موضع‌گیری مجدد خود، خوانندگان‌شان و دیگر شرکت‌کنندگان در زمان و مکان در اختیار دارند» (۲۰۰۶: ۱۳۳). بیکر معتقد است که برای ساختن روایت‌های دلخواه از طریق ترجمه لزوماً نیازی به دستکاری کردن متن نیست؛ او می‌گوید: «غالباً از طریق مداخله در فضای پیرامون متن (پانویس‌ها، مقدمه‌ها، افزودن مطالب تصویری) و نیز از طریق خود عمل انتخاب متن‌ها برای ترجمه می‌توان چیزهای بیش‌تری حاصل کرد» (بیکر، ۲۰۱۰: ۳۴۷). بیکر (۲۰۰۶: ۴۳)، به عنوان

مثال، از کتابی با عنوان *سفرهایی در چین* نام می‌برد که قانون مجازات عمومی این کشور را ناعادلانه توصیف می‌کند و تصویری منفی از مردم چین ارائه می‌دهد؛ با این حال، مترجم انگلیسی این اثر با نوشتن مقدمه‌ای می‌کوشد بر شباهت‌های چینی‌ها با مردم انگلستان و کژفهمی‌های خارجی‌ها درباره‌ی فرهنگ و جامعه‌ی چین سخن بگوید و با اضافه کردن پانویس‌هایی، ضمن انکار کردن گفته‌های نویسنده‌ی کتاب در مورد جامعه‌ی چین، تصویر مثبت‌تر و جهانی‌تری از قوانین و شرایط این کشور و روایت مطلوب‌تری از جامعه‌ی چینی ارائه دهد.

پالوپوسکی^{۱۸} (۲۰۱۰) پانویس‌ها را در ترجمه‌ی ۹۸ کتاب داستان که از ۱۸۷۰ تا ۱۹۲۹ به زبان فنلاندی ترجمه و منتشر شده‌اند بررسی می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که پانویس‌ها «بخشی از رویه‌ی طبیعی کار ترجمه و راهبرد ترجمه‌یی بالقوه‌ای بوده‌اند. مترجمان احساس کرده‌اند می‌توانند بدون آن که حساسیت خواننده را برانگیزند پانویس اضافه کنند؛ حتی ممکن است پانویس نوشتن را وظیفه‌ی خود تلقی کرده باشند» (همان: ۱۰۰). پالوپوسکی همچنین معتقد است که پانویس‌ها اطلاعات ارزشمندی درباره‌ی آنچه مترجمان گمان می‌کنند مخاطبان‌شان نمی‌دانند اما لازم است که حتماً بدانند در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهند و از این رو «پنجره‌ای به درک مترجمان از مخاطبان‌شان و دیدگاه خود آن‌ها درباره‌ی وظایف و نقش‌هایشان می‌گشایند» (همان: ۹۰). به طور کلی پالوپوسکی دست‌کم دو مسیر را برای مطالعه‌ی پانویس‌ها مشخص می‌کند: «نمای کلی عمل پانویس‌دهی (در سطح ملی یا منطقه‌ای یا در دوره‌ی تاریخی مشخصی) و موردپژوهی‌ها در مورد ترجمه‌هایی که پانویس دارند» (همان: ۹۱). پیکره‌ای از پانویس‌های مترجمان که گردآوری آن نیز کار نسبتاً ساده‌ای است، به گفته‌ی پالوپوسکی، می‌تواند داده‌های لازم را برای مجموعه‌ی متنوعی از موضوع‌های پژوهشی فراهم آورد. مثلاً «مطالعه‌ی میزان رواج پانویس‌ها ممکن است الگوهای خواندن و پذیرفتگی را آشکار سازد: اگر پانویس‌ها به طور گسترده استفاده شده باشند، ممکن است [...] دست‌کم مورد پذیرش ویراستاران و خوانندگان باشند. در این صورت امکان دارد پانویس جزئی از تجربه‌ی طبیعی خواندن باشد» (پالوپوسکی، ۲۰۱۰: ۸۹). او از داده‌های به دست آمده از پژوهش خود برای مطالعه‌ی عاملیت مترجم استفاده می‌کند و "صدای" مترجمان را در پانویس‌ها و یادداشت‌هایشان می‌کاود. به عقیده‌ی او می‌توان از عناصر پیرامنتی همچون پانویس‌ها در کنار



تحلیل متنی ترجمه‌ها استفاده کرد و اطلاعات ارزشمندی درباره‌ی فرایند تصمیم‌گیری مترجمان به دست آورد. او برای مترجمانی که در ترجمه‌های خود از پانویس استفاده می‌کنند نقشی عاملیتی قائل است: «آن‌ها قادر بودند (در صورتی که فرصت داشته باشند) تصمیم بگیرند که آیا افزودن حاشیه ضرورت دارد یا نه. اگر عاملیت را طبق تعریف کینونن و کاسکینن (۲۰۱۰: ۶) «رغبت به عمل کردن و توانایی عمل کردن» محسوب کنیم، آن گاه تصمیم مترجم در مورد ضروری بودن یا نبودن افزودن چیزی به ترجمه‌اش به او عاملیت می‌بخشد. طبق نظر کینونن و کاسکینن، واژه‌ی رغبت در این تعریف بیانگر آگاهی و قصد مترجم است و ماهیتی فردی و روان‌شناختی به این جنبه از کار مترجم می‌دهد. واژه‌ی توانایی نیز مفهوم عاملیت را به مساله‌ی قدرت یا فقدان قدرت ربط می‌دهد و رابطه‌ی ذاتی بین عاملیت و قدرت را برجسته می‌کند. «توانایی همچنین بر مفهوم انتخاب تاکید دارد» (کینونن و کاسکینن، ۲۰۱۰: ۷)؛ یعنی برای عاملیت داشتن باید بتوانیم بگوییم که فلان عامل در فلان شرایط زمانی قادر بود به نحوی دیگر رفتار کند.

مترجمان، طبق نظر پالوپوسکی، همچنین ممکن است نقشی در «آموزش دادن، آشنا کردن و توضیح دادن بر عهده گرفته باشند» (۲۰۱۰: ۱۰۴). او می‌گوید که «پانویس‌ها ممکن است در موارد بسیاری صدایی دیگر، عقیده‌ای مقاومتی و اظهارنظری تعیین‌کننده به کتابی که ترجمه شده است بیفزایند» (همان). چنین مطالعاتی، طبق گفته‌ی بوزلین (۲۰۱۱)، قادر است نشان دهد که «عاملیت مترجم چگونه می‌تواند خود را ابراز کند» (۲۰۱۱: ۹). به عقیده‌ی پالوپوسکی، مترجمان با استفاده از پانویس خود را همانند بازیگران قابل‌رویت می‌کنند. هدف آن‌ها از پانویس دادن را می‌توان از طریق تحلیل متنی و بافتی مطالعه کرد؛ به همین شکل، نگرش آن‌ها به خوانندگان‌شان و اندیشه‌های آن‌ها در مورد نقش‌شان در قبال مخاطبان‌شان را می‌توان از طریق مطالعه‌ی پانویس‌ها بررسی کرد. (۲۰۱۰: ۱۰۴)

پالوپوسکی معتقد است پانویس‌های مترجم همچون «صدای دوم» او در متن عمل می‌کنند (۲۰۱۰: ۹۱). او بر مبنای تحقیق‌هایش به این نتیجه می‌رسد که مترجمان در انجام دادن بسیاری از وظایف خود عواملی فعال‌اند و با توجه به کاربرد گسترده‌ی پانویس در دوره‌ی موردنظرش در فنلاند، یعنی زمانی که ترجمه اهمیت بسیار ویژه‌ای در تعیین سرنوشت ادبی و سیاسی ملت فنلاند پیدا می‌کند، پانویس‌ها را «جزء جدایی‌ناپذیری از حرفه‌ی ترجمه‌ی فعالانه» قلمداد می‌کند (۲۰۱۰: ۱۰۵).

۳. چارچوب نظری پژوهش

پژوهش حاضر در چارچوب مطالعات جامعه‌شناختی ترجمه به بررسی عاملیت^{۱۹} مترجمان می‌پردازد. عاملیت، طبق نظر پالوپوسکی، «بر اهمیت افرادی که در پشت متن‌ها هستند متمرکز می‌شود» و «تحقیق درباره‌ی کار مترجمان، فعالیت‌ها، نقش‌ها و درک آن‌ها از خودشان را شامل می‌شود» (پالوپوسکی، ۲۰۱۰: ۸۸). پالوپوسکی معتقد است عاملیت را می‌توان با روش‌هایی چون مصاحبه با مترجم یا مشاهده کردن او در محیط کارش بررسی کرد، اما برای مطالعه‌ی عاملیت مترجمان گذشته نیز می‌توان از انواع دیگر داده‌ها و روش‌ها، همچون بررسی پانویس‌ها و یادداشت‌های مترجمان، بهره گرفت. او می‌گوید: «اگر عاملیت را عادات روزانه، تصمیم‌ها و حتی کارهای روزمره‌ی مترجمان تلقی کنیم، مدارکی چون پیش‌نویس ترجمه‌ها، نامه‌ها و یادداشت‌ها منابع کافی برای مطالعه‌ی عاملیت مترجم در اختیارمان می‌گذارد» (پالوپوسکی، ۲۰۱۰: ۸۸).

۳.۱ عاملیت در پانویس‌ها و یادداشت‌ها

این پژوهش بر مبنای داده‌های جمع‌آوری شده از پانویس‌ها و یادداشت‌های مترجمان ادبی معاصر در ایران و مطابق با تعریف پالوپوسکی از عاملیت – یعنی کار مترجمان، فعالیت‌ها، نقش‌ها و درک آن‌ها از خودشان – به تحلیل عاملیت مترجمان ادبی می‌پردازد. پالوپوسکی این نوع عاملیت را به پیروی از کاسکینن (۲۰۰۰) 'عاملیت پیرامنتی' می‌نامد که «متشکل از نقش مترجمان در وارد کردن و اضافه کردن یادداشت‌ها و مقدمه‌ها [به متن] است» (پالوپوسکی، ۲۰۰۹: ۱۹۱). برای این منظور با استفاده از مدل پالوپوسکی (۲۰۱۰) ابتدا فراوانی و توزیع پانویس‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ سپس به دسته‌بندی محتوایی پانویس‌ها و تعیین الگوهای پانویس‌دهی در کار مترجمان ادبی می‌پردازد و بر چگونگی و دلایل گنجاندن پانویس‌ها در آثار ترجمه‌شده متمرکز می‌شود: پانویس‌ها «به چه می‌پردازند [و] چگونه می‌توان آن‌ها را دسته‌بندی کرد» (پالوپوسکی، ۲۰۱۰: ۹۳). پس از آن می‌کوشد که بر اساس یافته‌های بخش اول عاملیت مترجم ادبی معاصر در ایران را تحلیل کند.



۴. پیکره و روش پژوهش

برای پاسخ دادن به پرسش‌های تحقیق، ۲۴ کتاب ادبی شامل رمان و مجموعه داستان که در سال‌های اخیر در ایران ترجمه و منتشر شده بودند به صورت تصادفی از یک کتابخانه‌ی شخصی انتخاب شد. این کتاب‌ها در فاصله‌ی ۲۳ سال بین سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۹۵ به همت ۱۶ ناشر فعال ایرانی منتشر شده و حاصل کار ۲۱ نویسنده و ۲۳ مترجم بودند. زبان مبدا این آثار انگلیسی، اسپانیایی، عربی، ایتالیایی، آلمانی و فرانسوی بود، هر چند که بیش‌ترین تعداد کتاب‌ها از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه شده بود. فهرست کتاب‌های بررسی شده در این پژوهش در جدول ۱ آمده است:

جدول ۱ کتاب‌های بررسی شده در این پژوهش

عنوان کتاب	سال نشر	ناشر	عنوان کتاب	سال نشر	ناشر
۱ اتحادیه‌ی ابلهان	۱۳۹۱	به‌نگار	۲ صد سال تنهایی	۱۳۸۶	آریابان
۳ عشق سال‌های ویا	۱۳۸۶	آریابان	۴ توفان برگ	۱۳۸۳	چشمه
۵ خاطره‌ی دلبرکان	۱۳۸۶	نیلوفر	۶ دوبلینی‌ها	۱۳۷۲	نیلوفر
۷ اگر شبی از شب - های زمستان مسافری	۱۳۸۰	آگه	۸ گتسیی بزرگ	۱۳۷۹	نیلوفر
۹ حباب شیشه	۱۳۸۴	باغ نو	۱۰ گور به گور	۱۳۹۱	چشمه
۱۱ برفک	۱۳۹۵	چشمه	۱۲ عقاید یک دلک	۱۳۸۹	چشمه
۱۳ فرار کن، خرگوش	۱۳۸۷	ققنوس	۱۴ گرینگوی پیر	۱۳۹۳	ماهی
۱۵ پنلوپیاد	۱۳۹۴	نی	۱۶ در قند هندوانه	۱۳۸۳	چشمه
۱۷ سال‌ها	۱۳۷۷	نگاه	۱۸ ناتور دشت	۱۳۷۷	نیلا
۱۹ زمین انسان‌ها	۱۳۷۸	نیلوفر	۲۰ وقت هرز	۱۳۹۴	شورآفرین
۲۱ فغان شرق	۱۳۸۳	معین	۲۲ دروزیان بلگراد	۱۳۹۵	افراز
۲۳ برلین برایم بزرگ بود	۱۳۹۱	قطره	۲۴ ام سعد	۱۳۸۷	رسش

در تماس با ناشران این ۲۴ کتاب در مورد عامل پانویس‌دهی در کتاب‌ها سوال شد و پاسخ ناشران این بود که به طور کلی شخص مترجم پانویس‌ها را به کتاب‌ها می‌افزاید، مگر در موارد استثنایی که عامل دیگری مثلاً اداری کتاب و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از ناشر بخواهد که مترجم پانویسی با فلان مضمون به متن اضافه کند؛ در مورد کتاب‌های بررسی شده در این پژوهش، پاسخ ناشرها این بود که مترجم‌ها پانویس‌ها را اضافه کرده‌اند. پانویس‌ها و یادداشت‌های هر یک از این ۲۴ کتاب استخراج شد و در جدولی مانند جدول ۲ شامل پانویس‌های مترجم و قسمت‌هایی از متن اثر که مترجم پانویس‌ها را برای توضیح و تبیین آن‌ها در نظر گرفته بود قرار گرفت؛ محتوای پانویس‌ها بر مبنای داده‌های استخراج شده طبقه‌بندی و نوع پانویس از لحاظ محتوایی در مقابل هر پانویس در جدول گنجانده شد (نک. جدول ۲). تعداد و درصد پانویس‌ها و یادداشت‌ها بر اساس محتوای آن‌ها محاسبه شد تا اطلاعات و آمار دقیقی درباره‌ی محتوای پانویس‌ها و یادداشت‌ها حاصل شود. دلایل پانویس‌دهی بر مبنای داده‌های به دست آمده تحلیل شد؛ همچنین توزیع پانویس‌ها در هر کتاب و هر صفحه محاسبه شد و الگوهای پانویس‌دهی بر مبنای زبان‌ها و فرهنگ‌های مبدا مورد بررسی قرار گرفت تا مشخص شود که آیا فراوانی و نحوه‌ی پانویس‌دهی در کتاب‌ها بر اساس زبان‌های مبدا مختلف تفاوتی پیدا می‌کند.

جدول ۲ نمونه‌ی جدول گردآوری اطلاعات

متن کتاب	پانویس مترجم	محتوای پانویس
۱ جانتن سویت	Jonathan Swift (۱۷۴۵-۱۶۶۷): کشیش و طنزنویس انگلیسی-ایرلندی. نویسنده‌ی سفرهای کالیور	حرف‌نویسی و توضیح نام نویسنده
۲ پلیموث	Plymouth؛ اتومبیلی قدیمی ساخت کمپانی کرایسلر	حرف‌نویسی و توضیح برند اتومبیل
۳ مک کارتی	Joseph McCarthy؛ یکی از بدنام‌ترین سیاستمداران آمریکایی که زیروبالای آمریکا را به دنبال کمونیست‌ها شخم زد. دوران او به دوران مک کارتیسم مشهور است.	حرف‌نویسی و توضیح شخصیت سیاسی
۴ پلایو	Pelayo	حرف‌نویسی نام شخصیت داستان
۵ جهان و دلبران جهان	The world and its mistress و در ترجمه‌ی فرانسه معادل انگلیسی و توضیح و	



متن کتاب	پانویس مترجم	محتوای پانویس
	chacun avec sa maitresse. مترجم متاسفانه این	توجیه ترجمه
		عبارت را به صورت قالبی در هیچ کتاب لغتی نیافت.
		نزدیکترین اصطلاحی که مترجم در مراجع یافت این
		است: all the world and his wife، به معنی همه مردم.

سپس از یافته‌های پژوهش برای تحلیل عاملیت مترجم ادبی در ایران معاصر استفاده شد. در این‌جا محتوای پانویس‌ها مورد بررسی قرار گرفت تا بر مبنای آن عملکرد مترجم مشخص شود. مثلاً مترجم کتاب *حباب شیشه* در توضیح واژه‌ی 'روزنبرگ‌ها' در پانویس آورده: «زن و شوهری که به جرم جاسوسی در آمریکا اعدام شدند»؛ این مترجم اطلاعاتی در مورد شخصیت‌ها و واقعه‌ای تاریخی در اختیار خواننده گذاشته و نقش آموزگار تاریخ و فرهنگ مبدا را بر عهده گرفته است. مترجم تصمیم گرفته است که افزودن حاشیه و توضیح به متن برای درک خواننده ضروری است و از این رو صدای خود را در متن انعکاس داده و عاملیت پیدا کرده است. مترجمی که در توضیح عبارت 'آقای چارلی' می‌نویسد: «کنایه از سفیدپوست برده-دار»، نقش راهنمایی را بر عهده می‌گیرد که در خواندن و درک بهتر متن به خواننده کمک می‌کند. مترجم دیگری که صفت 'کور' را در مورد خیابان به کار برده است، در توجیه انتخاب خود این پانویس را می‌آورد:

«شاید انتخاب کلمه «کور» به جای «بن‌بست» در فارسی چندان مناسب نباشد، اما این کلمه در ویراستاری متن به این دلیل انتخاب گردید که با مضمون داستان متناسب باشد. جویس آگاهانه کلمه *blind* را به جای *dead end* به کار برده است تا نشان دهد که شخصیت داستان نیز مانند خیابانی که در آن زندگی می‌کند کور است» (دوبلینی‌ها).

در این‌جا مترجم با اشاره به مقصود نویسنده‌ی داستان، معادل انتخاب شده‌ی خود را توجیه می‌کند و ضمن این که آگاهی خود را از مسائل ادبی نشان می‌دهد، نقش آموزگار ادبیات و منتقد ادبی را نیز ایفا می‌کند. مترجم به عاملی تبدیل می‌شود که کارهایی علاوه بر برگرداندن متن به زبان مقصد، مانند توضیح و آموزش دادن، را بر عهده می‌گیرد و 'رغبت' و 'توانایی' خود به عمل کردن را وارد کار ترجمه می‌کند.

۵. یافته‌های تحقیق و تحلیل داده‌ها

از کتاب‌های بررسی شده در این پژوهش در کل ۲۳۳۸ پانویس و یادداشت استخراج شد. تعداد صفحات این ۲۴ کتاب جمعاً ۶۹۰۱ صفحه بود، در نتیجه در هر ۲/۹۵ صفحه یک پانویس وجود داشت که آمار بسیار بالایی است. این تعداد بالای پانویس‌ها و یادداشت‌ها را می‌توان بر مبنای نوع ادبیات بررسی شده توضیح داد؛ چون کتاب‌هایی که در این‌جا مورد بررسی قرار گرفتند همه نمونه‌هایی از ادبیات معیار^{۲۰} و جدی جوامع مبدا خویش بودند، به نظر می‌رسد مترجمان ادبی نیاز به توضیح دادن در مورد این آثار و جنبه‌های گوناگون آن‌ها را بیشتر احساس کرده‌اند و از همین رو تعداد پانویس‌ها بسیار زیاد بوده است. توزیع پانویس‌ها و یادداشت‌ها در کتاب‌ها بسیار متغیر بود؛ مثلاً یکی از کتاب‌ها هیچ پانویسی نداشت و کتاب دیگری فقط یک پانویس داشت، در حالی که برخی کتاب‌ها بیش از دویست یا سیصد پانویس و یادداشت داشتند. نکته‌ی جالب این بود که یکی از مترجم‌ها دو کتاب از یک نویسنده ترجمه و هر دو کتاب را یک ناشر در یک سال منتشر کرده بود، اما یکی از کتاب‌ها ۱۰۷ پانویس و دیگری هیچ پانویسی نداشت، در حالی که هر دو کتاب به یک اندازه دارای عناصر و جنبه‌هایی بودند که نیاز به توضیح داشتند. به طور کلی تعداد پانویس‌ها در کتاب‌ها بسیار متغیر بود؛ تعدادی از کتاب‌ها ۸، ۱۹، ۴۹، ۵۹، ۶۹ یا ۹۸ پانویس داشتند، در حالی که تعدادی دیگر ۱۹۹، ۲۶۸، ۳۳۹ یا ۳۵۵ یادداشت و پانویس را در خود جا داده بودند. اما هر کتاب به طور متوسط ۹۷/۴۱ پانویس یا یادداشت داشت؛ تعداد بالای این عناصر پیرامنتی در کتاب‌ها احتمالاً به این معناست که مترجمان ادبی ایرانی تمایل زیادی به اضافه کردن مطالب خود به کتاب‌های ترجمه‌شده دارند و مخاطبان‌شان نیز با افزوده شدن این مطالب پیرامنتی مخالفتی ندارند؛ از این گذشته، به نظر می‌رسد که مترجمان پانویس‌دهی را وظیفه‌ی خود تلقی می‌کنند و آن را بخشی از کار حرفه‌ای ترجمه می‌دانند.

از ۲۳ کتابی که دارای پانویس بودند، دو کتاب علاوه بر پانویس‌ها در انتهای کتاب یادداشت‌های مفصل مترجم همراه با مقالاتی در نقد اثر، "توضیحات" درباره‌ی زندگی نویسنده، "فهرست آثار"، نامه‌های نویسنده و "برگزیده‌ی مآخذ و منابع" درباره‌ی اثر را نیز آورده‌اند. در انتهای کتاب دیگری "یادداشت نویسنده"، "درباره‌ی نویسنده" و "حواشی و



تعلیقات" برگرفته از کتابی دیگر که در ایران ترجمه شده است نیز آمده است. یکی از کتاب‌ها نیز پانویس‌ها را به توضیحات مترجم درباره‌ی عناصر مختلف متن اختصاص داده و حرف-نویسی اسامی خاص به زبان فرانسه را در داخل متن بلافاصله پس از هر نام خاص قرار داده است. در باقی کتاب‌ها همه‌ی توضیحات مترجم در قالب پانویس آمده است.

محتوای پانویس‌ها و یادداشتهای مترجمان به دو گروه اصلی طبقه‌بندی شد: (۱) توضیح مسائل مربوط به زبان، فرهنگ، جامعه و ادبیات مبدأ؛ (۲) توضیحات مترجم درباره‌ی مسائل مربوط به اثر و ترجمه‌ی آن. هر یک از این دو گروه به طبقه‌بندی‌های جزئی‌تری که همه‌ی جنبه‌های فرهنگ مبدأ و ترجمه‌ی اثر را در بر می‌گرفت تقسیم شد و ۲۹ مقوله‌ی محتوایی فرعی برای پانویس‌ها و یادداشتهای به دست آمد. از آن‌جا که تعدادی از پانویس‌ها شامل توضیحاتی در مورد بیش از یکی از این مقوله‌ها بودند، این موارد در محاسبه‌ی آماری تعداد پانویس‌های هر مقوله به دو یا بیش از دو مقوله اختصاص داده شدند و در نتیجه تعداد ۲۳۳۸ پانویس و یادداشت استخراج شده از کتاب‌ها به ۲۴۸۶ مورد افزایش یافت. مقوله‌های محتوایی اصلی و فرعی پانویس‌ها و یادداشتهای در زیر آمده است:

۵.۱ توضیح مسائل مربوط به زبان، فرهنگ، جامعه و ادبیات مبدأ

(۱) حرف‌نویسی^{۲۱} نام شخصیت‌های داستان

(۲) حرف‌نویسی و توضیح نام مکان‌ها: کشورها، استان‌ها، ایالت‌ها، شهرها، جزیره‌ها، دهکده‌ها، بندرها، مناطق جغرافیایی، مناطق شهری، محله‌ها؛ و نیز جنگل‌ها، کوه‌ها، چشمه‌ها، مرداب‌ها، پارک‌ها، رودخانه‌ها، تپه‌ها، دماغه‌ها، خلیج‌ها، دره‌ها، دریاها؛ و همچنین مناطق شهری مانند خیابان، کوچه، میدان، بنای یادبود، هتل، رستوران، تئاتر، مدرسه، فروشگاه، زندان، پل، کافه، ایستگاه، کالج، دانشگاه، بانک، کاخ، قبرستان، دروازه، سالن ورزشی، باغ‌وحش، کتاب-فروشی، کلوب، داروخانه، گذر، بنگاه تجاری، شرکت و عمارت

(۳) حرف‌نویسی و توضیح نام شخصیت‌های هنری، ادبی، فرهنگی، مذهبی، تاریخی، سیاسی، نظامی، صنعتی و علمی: مانند شاعران، نویسندگان، نمایش‌نامه‌نویس‌ها، مترجمان، مورخان، آهنگسازان، خوانندگان، موسیقی‌دانان، بازیگران، کارگردانان، رقصندگان، پیکرتراشان، نقاشان، دانشمندان، کشیشان، فیلسوفان، سیاستمداران، شاهان، ملکه‌ها، معماران،

جهانگردان، روان‌شناسان، روزنامه‌نگاران و میلیونرها

۴) حرف‌نویسی و توضیح عناصر فرهنگی مانند جشن‌ها، رسوم، عیدها، جشنواره‌ها، سنت‌ها، مراسم، مسائل فرهنگی و مذهبی، دعا‌های مذهبی، افسانه‌ها، باورهای عامیانه، وقایع تاریخی، شخصیت‌ها و موجودات افسانه‌ای، شخصیت‌های اساطیری، فرشته‌ها، خدایان، فرقه‌های مذهبی، جدال‌های قومی، اقوام، نژادها، احزاب سیاسی، سلسله‌های پادشاهی و دوره‌های تاریخی، تمدن‌های کهن و مفاهیم و رویدادهای اساطیری؛ همچنین اثر هنری، ادبی، سینمایی و نیز ترانه، سرود مذهبی، دسته‌ی موسیقی، واحد اندازه‌گیری، واحد پول، زبان، لهجه، غذا، نوشیدنی، دسر، کشتی تفریحی، خط کشتی‌رانی، وسیله‌ی نقلیه، مسابقه؛ و نیز انواع مدرسه، مغازه، ترانه، رقص، رمان، روزنامه، مجله، ساختمان، خانه، قلعه، پادگان، مزرعه، قانون، بازی، ورزش، اقامتگاه، مدال، نمایش‌نامه، مجسمه؛ و همچنین محافل ادبی، سازمان‌ها، عهدنامه‌ها، جوایز، ماه‌های تقویمی، تقسیمات کشوری، واحدهای نظامی و کانون‌ها

۵) حرف‌نویسی و توضیح اشیاء: مانند انواع لباس، پارچه، سکه، پول، آلت موسیقی، سنگ قیمتی، شیء تاریخی، آلت شکنجه، ابزار نجاری، وسیله‌ی تقطیر، تصویرها و دستگاه‌ها

۶) توضیح تلمیح‌های ادبی، کنایه‌ها، بازی با کلمات، اشاره‌های ادبی یا مذهبی، آرایه‌های ادبی، مکاتب شعری و نیز تضاد و جناس و الگوها و انواع ادبی؛ جوایز ادبی

۷) حرف‌نویسی و توضیح گونه‌های جانوری و گیاهی و میوه‌ها

۸) حرف‌نویسی و توضیح عناوین و لقب‌ها: مانند القاب مذهبی و اشرافی یا لقب شهرها و زندان‌ها

۹) حرف‌نویسی و توضیح اصطلاحات تخصصی موسیقی، مذهبی، زبانی، پُستی، نظامی، پزشکی، روان‌شناسی، سیاسی، هوانوردی و نیز اصطلاحات حوزه‌ی تئاتر، کامپیوتر، هندسه، کتاب مقدس، معماری، فیزیک و اسب‌سواری

۱۰) توضیح سمبل‌ها، نشان‌ها، نمادها، رمزها و وجه تسمیه؛ و نیز سبک‌های هنری، معماری و مجسمه‌سازی

۱۱) حرف‌نویسی و توضیح مارک‌های تجاری و برندهای اتومبیل، هواپیما، لباس، لوازم بهداشتی، سلاح، عطر، نوشیدنی، شکلات، آدامس، گرامافون و چرخ خیاطی

۱۲) ارجاع به آیات قرآن و کتاب مقدس، ترجمه‌ی فارسی آیات



۱۳) حرف‌نویسی و توضیح علامت‌های اختصاری و اسامی مخفف همراه با نام کامل عبارت مخفف شده

۱۴) متن مبدا آوازه‌ها، شعرها، ترانه‌ها، سرودها و نیز ترجمه‌ی فارسی آن‌ها

۵.۲ توضیحات مترجم درباره‌ی مسائل مربوط به اثر و ترجمه‌ی آن

۱) توضیح در مورد معادل انتخاب شده یا برساخته‌ی مترجم و توجیه آن؛ توضیح درباره‌ی علت استفاده از ساختاری خاص در ترجمه

۲) توضیح مترجم درباره‌ی منظور یا قصد نویسنده یا شخصیت‌های داستان؛ توضیح دلالت‌ها و تلویحات؛ حدس مترجم درباره‌ی اشاره‌های متن به افراد و چیزهای مختلف

۳) معادل خارجی واژه‌ها، نام‌ها و عبارت‌های ترجمه شده معمولاً با هدف توضیح معنا یا رفع ابهام یا برای این که مشخص شود واژه‌ی به کار رفته اصطلاحی خاص است

۴) توضیح معنای واژه‌های خارجی حرف‌نویسی شده در متن ترجمه‌ی فارسی و در مواردی ارائه‌ی معادل فارسی برای آن‌ها

۵) توضیح معنای واژه یا عبارتی که به زبان خارجی در متن فارسی آمده است؛ ترجمه فارسی عنوان کتاب‌هایی که در متن به زبان خارجی نوشته شده همراه با توضیح در مورد آن‌ها

۶) عناوین اصلی کتاب‌ها، مجله‌ها، شعرها، ترانه‌ها، اپراها، جایزه‌ها، سازمان‌ها و آکادمی‌ها؛ همچنین حرف‌نویسی عنوان کتاب‌ها یا ترانه‌ها؛ و نیز توضیح در مورد آن‌ها، خالق اثر و شخصیت‌هایشان

۷) توضیح درباره‌ی اشتباهات دستوری، زبانی و تلفظی شخصیت‌های داستان و عواقب این اشتباهات و نیز توجیه ترجمه‌ی مترجم؛ توضیح اشتباهات نویسنده

۸) توضیح در مورد خاستگاه و منشا واژه‌ها و عبارت‌ها؛ توضیح درباره‌ی شعرها، شخصیت‌های واقعی و آثار ادبی‌بی که منشا واژه یا عبارت استفاده شده در متن‌اند

۹) توضیح در مورد نویسنده، مثلاً زندگی او؛ توضیح درباره‌ی شخصیت‌های داستان، پوشش و رفتارهایشان و شباهت آن‌ها با شخصیت‌های داستانی دیگر؛ همچنین استفاده از شخصیت‌ها در آثار دیگر نویسنده

- ۱۰) اذعان به نارسایی معادل انتخاب شده و توضیح کامل مفهوم واژه‌ی متن مبدأ؛ پژوهش طلبیدن به دلیل انتخاب معادلی در ترجمه
- ۱۱) توضیح معنای واژه‌ی فارسی به کار گرفته شده؛ ارائه‌ی معادل انگلیسی برای واژه‌های فارسی ناآشنا
- ۱۲) توضیح مضامین اثر نویسنده و همچنین ترانه‌ها، داستان‌های مذهبی و نمایش‌نامه‌ها
- ۱۳) توضیح در مورد لهجه‌ها و اصطلاحات متداول در جامعه‌ی مبدأ
- ۱۴) توضیح درباره‌ی ترجمه‌های اثر به زبان‌های دیگر؛ توضیح در مورد آثار ترجمه شده-ی نویسنده به زبان فارسی؛ ارجاع به ترجمه‌های موجود در بازار و برگرفتن متن از آن‌ها
- ۱۵) توضیح درباره‌ی ناسزا بودن کلمه‌ای که در متن با سه‌نقطه مشخص شده است
- تعداد پانویس‌ها و یادداشت‌ها در هر یک از مقوله‌های اصلی و فرعی همراه با درصد‌های محاسبه شده برای آن‌ها در جدول ۳ آمده است. همان طور که در بالا نیز اشاره شد، ممکن است یکی از یادداشت‌های مترجمان، به عنوان مثال، هم اصطلاحی مذهبی را توضیح بدهد هم به آیه‌ای از کتاب مقدس اشاره کند. مثلاً در توضیح واژه‌ی "شمعونی" در کتاب دوبلینی‌ها اثر جیمز جویس چنین یادداشتی در انتهای کتاب گنجانده شده است:
- شمعونی (Simony) عبارت است از تجارت نامشروع دنیوی از امور مذهبی. وجه تسمیه‌ی این اصطلاح به شخصی به نام شمعون، یکی از جادوگران سامری، مربوط می‌شود. وی که از دیدن آیات و قوای عظیمه‌ی رسولان مسیح به حیرت می‌افتد مبلغی پیش ایشان می‌آورد و می‌گوید: «مرا نیز این قدرت دهید که به هر کس دست گذارم روح‌القدس را بیاورد.» پطرس به او می‌گوید: «زرت با تو هلاک باد چون که پنداشتی عطای خدا به زر حاصل می‌شود.» (رک: اعمال رسولان، ۱۸/۸-۲۰)
- این یادداشت هم در مقوله‌ی "اصطلاحات تخصصی" و هم در طبقه‌ی "ارجاع به آیات کتاب مقدس" قرار گرفته است و در واقع دو یادداشت محسوب شده است، زیرا می‌توان آن را در دو مقوله قرار داد. علت افزایش یافتن تعداد پانویس‌ها و یادداشت‌ها به ۲۴۸۶ مورد همین است.



جدول ۳ طبقه‌بندی محتوایی پانویس‌ها و یادداشت‌ها همراه با تعداد و درصد آن‌ها

درصد کلی	تعداد کل	درصد	تعداد پانویس‌ها و یادداشت‌ها	موارد توضیح داده شده	
۸۷/۶۹٪	۲۱۸۰	۳۸/۶۶٪	۸۴۲	شخصیت‌های داستان	توضیحات مربوط به زبان، فرهنگ، جامعه و ادبیات مبدأ
		۲۶/۷۴٪	۵۸۲	مکان‌ها	
		۱۰/۵۰٪	۲۲۹	شخصیت‌های فرهنگی	
		۱۴/۱۷٪	۳۰۹	عناصر فرهنگی	
		۱/۳۷٪	۳۰	اشیاء	
		۱/۴۶٪	۲۲	تلمیح‌ها و آرایه‌های ادبی	
		۱/۱۰٪	۲۴	گونه‌های جانوری و گیاهی	
		۰/۷۷٪	۱۷	عناوین و لقب‌ها	
		۲/۰۱٪	۴۴	اصطلاحات تخصصی	
		۰/۵۹٪	۱۳	سمبل‌ها، نمادها، سبک‌ها	
		۱/۰۵٪	۲۳	مارک‌های تجاری	
		۰/۶۴٪	۱۴	آیات قرآن و کتاب مقدس	
		۰/۴۱٪	۹	علامت‌های اختصاری	
۰/۴۵٪	۱۰	متن مبدأ/ترجمه اشعار			
		۵/۲۲٪	۱۶	معادل یا ساختار انتخاب شده	توضیحات مربوط به ترجمه‌ی اثر
		۱۰/۴۵٪	۳۲	منظور یا اشاره‌ی نویسنده	
		۲۲/۶۷٪	۱۰۰	معادل خارجی واژه‌ها	
		۱۲/۴۱٪	۳۸	معنای واژه‌ی حرف-نویسی شده	

درصد کلی	تعداد کل	درصد	تعداد پانویس‌ها و یادداشت‌ها	موارد توضیح داده شده
%۱۲/۳۰	۳۰۶	%۲/۵۹	۱۱	معنا یا ترجمه واژه‌ی خارجی
		%۱۵/۰۳	۴۶	عناوین اصلی کتاب‌ها
		%۲/۹۴	۹	اشتباهات شخصیت‌ها یا نویسنده
		%۲/۵۹	۱۱	خاستگاه و منشأ واژه‌ها
		%۳/۹۲	۱۲	توضیح در مورد نویسنده و شخصیت‌ها
		%۰/۹۸	۳	عذرخواهی و اذعان به نارسایی کار مترجم
		%۱/۹۶	۶	معنای واژه‌ی فارسی
		%۲/۶۱	۸	مضامین اثر
		%۰/۹۸	۳	لهجه‌ها و اصطلاحات
		%۱/۳۰	۴	ترجمه‌های دیگر
		%۲/۲۸	۷	ناسزا بودن واژه‌ای که در متن نیامده
	۲۴۸۶			

همان طور که در جدول دیده می‌شود، بیش‌تر پانویس‌ها و یادداشت‌ها (۸۷/۶۹٪) به توضیح زبان، فرهنگ، جامعه و ادبیات مبدأ می‌پردازند. از این‌رو، به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل پانویس دادن و یادداشت نوشتن مترجمان پر کردن شکاف فرهنگی بین جوامع مبدأ و مقصد و کمک به درک بهتر خواننده از جنبه‌های مختلف فرهنگ مبدأ باشد. از آن‌جا که خواننده عضوی از جامعه‌ی مبدأ نیست و به گمان مترجم از بسیاری از مسائل فرهنگ مبدأ همچون نام مکان‌ها، شخصیت‌ها و عناصر فرهنگی، عناوین و لقب‌ها، مارک‌های تجاری و امثال این‌ها آگاه نیست، مترجم هر آن‌چه را خواننده نیاز دارد تا اطلاعاتی هم‌سنگ دانسته‌های فرهنگی اعضای جامعه‌ی مبدأ داشته باشد در اختیار او می‌گذارد تا اثر ترجمه‌شده برایش معنادارتر و قابل‌درک‌تر شود و



بتواند بهتر با آن ارتباط برقرار کند. باقی پانویس‌ها و یادداشت‌ها (۱۲/۳۰٪) به توضیحات مترجم درباره‌ی ترجمه‌اش از اثر و توجیه کار خود از جمله معادل‌یابی‌ها و انتخاب‌هایش و توضیح معنای واژه‌ها و مضامین و منظور نویسنده و اشاره‌های متن مربوط می‌شود. در این-جا نیز مترجم علاوه بر این که به خواننده کمک می‌کند تا مضامین و مفاهیم متن را بهتر بفهمد، آگاهی خود از مسائل ترجمه و شناخت خود از جنبه‌های ادبی اثر را به نمایش می‌گذارد و در مواردی که از هنجارهای حاکم بر ترجمه یا هنجارهای متن‌نویسی و معادل‌گزینی در ترجمه عدول می‌کند، تصمیم‌ها و انتخاب‌های خود را توضیح می‌دهد و از آن‌ها دفاع می‌کند.

بیش‌ترین تعداد پانویس‌هایی که به توضیح زبان، فرهنگ، جامعه و ادبیات مبدا می‌پردازند به حرف‌نویسی اسامی خاص متن مبدأ مربوط بود. علت این پدیده را شاید بتوان در تفاوت الفبای فارسی با الفبای اکثر زبان‌های مبدا این آثار - یعنی زبان‌های اروپایی بررسی شده در این پژوهش - جست‌وجو کرد. از آن‌جا که اسامی خاص متن مبدا با الفبای فارسی در متن ترجمه ظاهر می‌شوند، مترجم با آوردن صورت مبدأ این اسامی به خواننده در درست خواندن اسم کمک می‌کند و صورت اصلی آن را در اختیارش می‌گذارد. چنین پانویس‌هایی در ترجمه از زبان عربی که با زبان فارسی الفبایی یکسان دارد دیده نشد، زیرا اکثر اسامی خاص عربی - مانند حامد، رجب، انیسه - در فارسی نیز اسامی متداولی هستند و از همین رو پانویس دادن برای آن‌ها ضروری نبوده است. اضافه کردن صورت اصلی اسامی خاص زبان‌های اروپایی در مواردی بسیار ضروری است، زیرا در غیر این صورت ممکن است خواننده اسم خاص را با واژه‌ای فارسی اشتباه بگیرد؛ فردی (Fredie)، کلی (Clay) و روزی (Rosy) از نمونه‌های این دست اسامی خاص‌اند.

تعداد پانویس‌ها در کتاب‌هایی که از زبان‌های غربی (انگلیسی، اسپانیایی، ایتالیایی، فرانسوی، آلمانی) به فارسی ترجمه شده بودند در مقایسه با کتاب‌های ترجمه شده از زبان عربی بسیار بیش‌تر بود. در کتاب‌های ترجمه شده از زبان‌های اروپایی-آمریکایی در هر ۲/۷۱ صفحه یک پانویس یافت شد، در حالی که در کتاب‌های ترجمه شده از عربی در هر ۱۴/۵۷ صفحه یک پانویس وجود داشت. این پدیده را شاید بتوان با اشاره به تفاوت‌های فرهنگی بیش-تر بین فرهنگ ایرانی و فرهنگ‌های اروپایی-آمریکایی از یک سو و اشتراکات فرهنگی و مذهبی فرهنگ ایران با فرهنگ‌های عربی از سوی دیگر توضیح داد. مترجمان کتاب‌های عربی در اکثر

موارد خود را از توضیح دادن مسائل مذهبی، اعتقادی و فرهنگی همچون مناسک مذهبی و اعیاد و رسوم بی‌نیاز دیده‌اند، زیرا احساس کرده‌اند که خواننده خود با این عناصر فرهنگی آشنایی دارد. در مقابل مترجمان کتاب‌های اروپایی-آمریکایی احساس کرده‌اند تفاوت‌های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی فرهنگ‌های مبدا و مقصد بیشتر است و نیاز به توضیحات بیشتر دارد.

یافته‌ها نشان می‌دهد که مترجمان ادبی با افزودن پانویس و یادداشت نقش پل ارتباطی بین فرهنگ مبدأ و مقصد را بر عهده می‌گیرند و عامل معرفی عناصر فرهنگی مبدأ به خوانندگان جامعه‌ی مقصدند. مترجم با توضیح دادن مسائل فرهنگی، ادبی و زبانی جامعه‌ی مبدأ به مخاطب در درک بهتر آثار ترجمه‌شده کمک می‌کند. بیشتر مترجمانی که در این پژوهش آثارشان مورد بررسی قرار گرفت ترجمه‌ی ادبی را فعالیتی شامل برگرداندن متن و اضافه کردن مطالب پیرامنتی در اطراف متن با هدف توضیح و تشریح جنبه‌های مختلف آن محسوب می‌کنند و از همین رو برای خود نقشی عاملیتی قائل‌اند. به بیان دیگر، پانویس‌دهی و یادداشت-نویسی جزئی از فعالیت‌ها، کارها و عادات روزانه و حرفه‌ای مترجمان ادبی است و آن‌ها را به عاملی که نقش‌های متعددی بر عهده می‌گیرد تبدیل می‌کند.

۶. نتیجه‌گیری

تعداد زیاد پانویس‌ها و یادداشت‌های مترجمان در آثار بررسی شده در این پژوهش نشان می‌دهد که احتمالاً خوانندگان ایرانی ادبیات ترجمه‌شده و همچنین ناشران و ویراستاران مخالفتی با حواشی مترجمان ندارند و آن را بخشی از فرایند طبیعی ترجمه قلمداد می‌کنند. از این گذشته، خوانندگان انتظار دارند مترجم بخش‌هایی از متن را که از لحاظ فرهنگی، زبانی یا ادبی برای آن‌ها ناشناخته و مبهم است توضیح دهد؛ این انتظار خوانندگان بر کار حرفه‌ای مترجمان تأثیر می‌گذارد. هنجارهای حرفه‌ای^{۲۲} تحت نظارت هنجارهای انتظار^{۲۳} عمل می‌کنند (نک. شانلورث و کاوی، ۱۹۹۷: ۱۳۲) و مترجم می‌کوشد کار حرفه‌ای خود را به گونه‌ای پیش ببرد که انتظارات مخاطبانش را برآورده کند. طبیعتاً نخستین انتظار خواننده این است که متن را به درستی درک کند، از این‌رو مترجم هر آن‌چه را لازم است به متن اضافه می‌کند تا هم به انتظارات خواننده پاسخ دهد و هم رضایت او را از خواندن ترجمه‌ی خویش جلب کند.



این کار مترجم به او نوعی عاملیت می‌بخشد و "صدای" او را در متن انعکاس می‌دهد. مترجم به عاملی تبدیل می‌شود که نقشی فراتر از برگرداننده‌ی متن به زبان مقصد دارد. او نقش پل ارتباطی بین فرهنگ‌ها، تسهیل‌کننده‌ی ارتباط بین فرهنگی، سفیر فرهنگی، منتقد، آموزگار و راهنما را بر عهده می‌گیرد؛ کوچ‌نشینی که از سرزمین‌های دور تحفه‌ای به ارمغان می‌آورد و خواننده را با دنیایی جدید آشنا می‌کند. از این رو، کار مترجم فقط جنبه‌ی زبانی ندارد؛ مترجم عاملی است که نقشی فرهنگی ایفا می‌کند و در نتیجه‌ی این ایفای نقش حضورش در متن پررنگ‌تر و پیداتر می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مترجم را نمی‌توان فقط دوزبانه‌ای محسوب کرد که به کمک فرهنگ لغات متنی را از زبانی به زبان دیگر برمی‌گرداند؛ مترجم را باید متخصص دوزبانه و دوفرنه‌ای تلقی کرد که قادر است نقش‌هایی بسیار فراتر از آنچه در نگاه سنتی به مترجم تصور می‌شد بر عهده بگیرد.

این وضعیت در نگاه مترجمان به خودشان و خواننده‌هایشان و همچنین دیدگاه آن‌ها درباره‌ی ترجمه‌ی ادبی تاثیر می‌گذارد. مترجم خود را متخصصی می‌بیند که به مسائل فرهنگی، زبانی و ادبی جامعه‌ی مبدأ و اثر ترجمه‌شده تسلط دارد و می‌تواند به خواننده‌ی غیرمتخصص در درک بهتر متن و جنبه‌های گوناگونش کمک کند. از نظر او، خواننده به تنهایی توان پیش رفتن در این مسیر را ندارد و حتماً لازم است راهنمایی داشته باشد. از این گذشته، او ترجمه‌ی ادبی را چیزی ورای صرفاً برگرداندن متن از زبانی به زبانی دیگر می‌داند؛ این کار از نظر او تنها بخشی از فرایند ترجمه‌ی ادبی است که باید با توضیحات، نقد و راهنمایی مترجم کامل شود. همچنین مترجم تصمیم‌های خود را توجیه می‌کند و ضمن توضیح دادن دلایل انتخاب-هایش، آگاهی خود را از هنجارها و قواعد ترجمه‌ی ادبی به رخ می‌کشد و برای خود وجهه‌ی حرفه‌ای‌تری به دست می‌آورد.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. Paratext
2. Tahir-Gürçağlar
3. Macksey
4. Zanettin
5. Translational norms
6. Agency
7. Schäffner

8. Authorship
9. Originality
10. Anonymity
11. Kovala
12. Harvey
13. binding
14. Godayol
15. Narrative Theory
16. Baker
17. reframing
18. Paloposki
19. Agency
20. Canonized literature
21. transliteration
22. Professional norms
23. Expectancy norms

۸ منابع

- Baker, M. (2006) *Translation and Conflict: A Narrative Account*, London & New York: Routledge.
- Baker, M. (2010) 'Narratives of terrorism and security: 'accurate' translations suspicious frame,' *Critical Studies on Terrorism*, 3 (3): 347 – 364.
- Buzelin, H. (2011) 'Agents of Translation,' in Y. Gambier & L. van Doorslaer (Eds.), *Handbook of Translation Studies*, Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company, (Vol. 2, pp. 6-12).
- Godayol, P. (2013) 'Gender and Translation,' in C. Millán & F. Bartrina (Eds.), *The Routledge Handbook of Translation Studies*, London and New York: Routledge, (pp. 173-185).
- Harvey, K. (2003) "'Events' and 'Horizons': Reading Ideology in the 'Bindings' of Translations," in M. Calzada Pérez (Ed.), *Apropos of Ideology: Translation Studies on Ideology – Ideologies in Translation Studies*, Manchester: St. Jerome Publishing, (pp. 43-69).
- Kinnunen, T. & Koskinen, K. (2010) *Translators' Agency*, Tampere: Tampere University Press.
- Koskinen, K. (2000) *Beyond Ambivalence. Postmodernity and the Ethics of Translation*, Tampere: University of Tampere.

- Kovala, U. (1996) 'Translations, Paratextual Mediation, and Ideological Closure,' *Target*, 8 (1): 119-147.
- Paloposki, O. (2009) 'Limits of Freedom: Agency, Choice and Constraints in the Work of the Translator,' in J. Milton & P. Bandia (Eds.), *Agents of Translation*, Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company, (pp. 189-208).
- Paloposki, O. (2010) 'The Translator's Footprints,' in T. Kinnunen & K. Koskinen (Eds.), *Translators' Agency*, Tampere: Tampere University Press, (pp. 86-107).
- Schäffner, C. (2010) 'Norms of Translation,' in Y. Gambier & L. van Doorslaer (Eds.), *Handbook of Translation Studies*, Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company, (Vol. 1, pp. 235-244).
- Shuttleworth, M. & Cowie, M. (1997) *Dictionary of Translation Studies*, Manchester: St Jerome.
- Tahir-Gürçağlar, Ş. (2002) 'What Texts Don't Tell: The Uses of Paratexts in Translation Research,' in T. Hermans (Ed.), *Crosscultural Transgressions: Research Models in Translation Studies II, Historical and Ideological Issues*, Manchester: St. Jerome Publishing (pp. 46-60).
- Tahir-Gürçağlar, Ş. (2011) 'Paratexts,' in Y. Gambier & L. van Doorslaer (Eds.), *Handbook of Translation Studies*, Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company, (Vol. 2, pp. 113-116).
- Zanettin, F. (2009) 'Comics,' in M. Baker & G. Saldanha (Eds.), *Routledge Encyclopedia of Translation Studies*, New York: Routledge (pp. 37-40).